

آسیب‌شناسی حقوق نشر مکتوب و نشر دیجیتال

از فوت پدیدآورنده به جامعه منتقل می‌شود. به اعتقاد صاحب‌نظران در بحث مالکیت فکری، اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی در تصویب مادام‌العمر مالکیت ورثه مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بر آثار، به نوعی ضدیت با پیوستن ایران به کنوانسیون بن است، در حالی که از عمده‌ترین شرایط و الزامات اعضا ارائه شواهد و مدارک لازم و کافی مبنی بر تعهد کشور عضو به رعایت حقوق مالکیت معنوی است، اگرچه امتیازات آن را - از جمله کاهش هزینه‌های پست، برخورداری از همکاری سازمانهای وابسته به منظور اعلام اختراعات، نشان تجاری و همه داراییهای معنوی مخترعین، مبتکرین صاحبان فعالیتهای تجاری و نیز صاحبان آثار فکری کشور، دسترسی به بانکهای اطلاعاتی WIPO و بانکهای مشابه کشورهای عضو در زمینه دارایی فکری و غیره - نمی‌توان منکر شد.

ناگفته نماند که آثار فرهنگی و هنری و ادبی جزو میراث فرهنگی یک کشور تلقی می‌شود که میراث فرهنگی به هیچ عنوان به فرد منتقل نمی‌شود و انحصار آن به صورت مادام‌العمر، خدشه وارد کردن به منافع عمومی و فرهنگ کشور است. این طرح اگرچه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، ولی خوشبختانه شورای نگهبان

یک. میراث همیشگی!

در سال ۱۸۸۶ کنفرانس برن با هدف حمایت از آثار ادبی و هنری پا به عرصه ظهور گذاشت و در سال ۱۹۶۷ کنوانسیون به نام سازمان جهانی مالکیت فکری در استکهلم با هدف ایجاد هماهنگی بین این دو اداره و توسعه ابزار لازم برای انطباق و روزآمد شدن آنها تشکیل شد و در سال ۱۹۷۰ با نام WIPO آغاز به کار کرد. طبق ماده ۲۷ منشور حقوق بشر سازمان ملل (حق مالکیت معنوی) افراد از حمایت منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی، ادبی و هنری بهره‌مند می‌شوند. در مالکیت فکری نیز مانند دیگر حقوق مالکیت، خالق یا مالک پروانه ثبت اختراع، نشان تجاری و حق چاپ و تکثیر، از منافع اثر یا سرمایه خود بهره‌مند می‌گردند.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به منظور مبادله دانش در سطح جهان و برای ارتقای بیشتر علمی و فکری، در تلاش است به کنوانسیون مذکور بپیوندد؛ اما این اقدام میسر نخواهد بود مگر با رعایت شرایط و ضوابط تعیین شده. قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان در سال ۱۳۴۸ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. طبق ماده ۱۲ این قانون حقوق مادی هر اثر سی سال پس

به موضوع مادام‌العمر شدن حق پدیدآورنده ایراد گرفت و طرح برای اصلاح و تجدید نظر به مجلس عودت داده شد. طراحان این طرح بر این باورند که در آثار اسلافشان دخل و تصرف می‌شود و ناشران، دلسوزی لازم را در حروفچینی، آرایش صفحات و بی‌غلط بودن آثار به خرج نمی‌دهند. البته نظارت بر آثار برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و اگر ناشر قبل از چاپ اثر عمداً در آن دخل و تصرف کرد، ورثه می‌توانند شکایت کنند و موضوع را از طریق مجاری قانونی پیگیری نمایند.

در برخی کشورها حق انتشار آثار پدیدآورنده پنجاه سال پس از فوت مؤلف شناخته شده است که این مدت هم از جهات مختلف می‌تواند نکات مثبت و منفی داشته باشد. از سویی، اگر اخلاف و بازماندگان علاقه‌ای به تجدید نشر آثار پدر یا جد خود نداشته باشند و جامعه تشنه آن اثر مفید باشد چه باید کرد؟ از سوی دیگر، اگر بازماندگان، خود پروانه نشر داشته باشند، علی‌الظاهر اولویت نشر پس از سی سال تا پنجاه سال به آنان باید داده شود. به هر روی، الی‌الابد شدن حق‌التألیف تبعات سوء فرهنگی عدیده‌ای در پی خواهد داشت و بسا مثلاً خانم آسین چلبی، بیست و دومین نسل از اخلاف حضرت مولانا، به ایران سفری کند و مدعی حق‌التألیف از دهها ناشر آثار جدش شود!

هرچند با پذیرش گذشت پنجاه سال از فوت مؤلف، قلبی از غلیل صدر طراحان دلسوز این طرح فروکش می‌کند، لیکن باید به این نکته مهم توجه کرد وقتی که سی سال از فوت مؤلف گذشت و ناشران که علی‌القاعده نبض بازار نشر کشور در دست آنهاست، مطابق قاعده عرضه و تقاضا می‌توانند در جای جای ایران حتی خارج از کشور متقاضیان تشنه آثار مؤلف را به دست اهل آن برسانند، طبعاً این وظیفه متولیان امور فرهنگی است که در نظارت بر آثار دقت بسیار مبذول دارند تا هیچ اثری مورد تعرض و دخل و تصرف قرار نگیرد. بنابراین اگر قانون به همین صورت باقی بماند، هم صنعت نشر رونقی دوچندان می‌گیرد و هم ناشران متعددی به این امر اهتمام می‌ورزند و هم مردم بیشتری از فواید و منافع آثار مؤلف منتفع می‌شوند. و به مصداق آیه کریمه «نکتب ماقدموا و آثارهم» مسلماً مؤلف محترم در سرای باقی از آثار خیری که بر مطالعه آثارش مترتب است بهره‌مند می‌گردد، در صورتی که اگر حق‌المؤلف الی‌الابد تصویب

شود، یا قانون از سی سال به پنجاه سال تبدیل گردد، البته چنین فوایدی دیگر در پی نخواهد داشت.

از سویی در جامعه امروز ما مع‌الاسف مشاهده می‌شود که انتقال آثار علمی هنری دیگران به آثار خود، در کشور از حد متعارف گذشته و طبعاً اینان چون «با چراغ آیند گزیده‌تر برند کالا»، از مقاله گرفته تا تمام یک کتاب یا پایان‌نامه دانشجویی را و در روز روشن — البته با اعتماد به نفس کامل — به نام خود در مجله‌ای چاپ می‌کنند یا توسط ناشر بخت برگشته از همه‌جا بی‌خبر آن کتاب قاپیده شده را می‌چاپند و البته ناظران اداره کتاب وزارت ارشاد گویا صرفاً در صورت شکایت شاکی می‌توانند به موضوع رسیدگی کنند و هیچ‌ساز و کاری برای دانستن اینکه چه اثری سرقت است یا نیست، هنوز طراحی و ساخته نشده است. امید است روزی برسد که هر لوح فشرده‌ای که برای بررسی به اداره کتاب می‌رود وقتی داخل رایانه گذاشته می‌شود، بتواند بخشهای مسروقه را با جیغ بنفش یا رنگ فسفری مشخص کند! بگذریم از مواردی که ناشران خیری هستند که مثلاً آثار و منشورات موقوفات «گیب» را بی‌اذن کتبی واقف دور از وطن، نشر می‌دهند و عواید حاصل از آن را صرف امور «جیب» می‌کنند و به رغم قائل بودن به حرمت می‌آن را رها کرده، اکل مال وقفی را ترجیح می‌دهند و به این پند حافظ شیرازی گوش نمی‌سپارند که «می‌حرام ولی به ز مال اوقاف است».

دو. امواج در فضا و الواح در خفا

دیر و دور نخواهد بود که عالم دیجیتال، کاغذ جدید را به اوراق عتیق تبدیل کند و نسل نو تمام کتاب و دفتر و قلم و کتابخانه خود را در یک رایانه دستی کوچک با امکان اتصال به شبکه اینترنت در همه جا و با امکان بهره‌گیری از کتابخانه جهانی در اختیار داشته باشد. امروزه چه آن کتابهایی که رایگان روی شبکه جهانی در سایتها قرار گرفته‌اند مانند پایگاه نور، تبیان، یعسوب‌الدین، الوراق، آرشیو و دهها پایگاه اینترنتی دیگر و چه کتابهایی که توسط سازمانهای مختلف دولتی و انتفاعی — و البته گاه بی‌اذن ناشر و مؤلف — اسکن شده یا به صورت بانک با قابلیت‌های جست‌وجوی متنوع در قالب الواح فشرده (DVD) به فروش می‌رسد و — ان‌شاءالله — عواید



حاصل از فروش آنها صرف امور فرهنگی و توسعه این الواح می‌گردد. خدا را شکر که غالب این مراکز مشخصات حقوقی اثر را ذکر می‌کنند و از این بابت گلایه‌ای نیست. در همین حال برخی مؤسسات فرهنگی هستند با داشتن مجوز قانونی، تمام دیوانهای شعری و بعضاً متون ادبی را بی‌اذن ناشر و مصحح آن — در الواح خود درج می‌کنند و برای اینکه بین ناشران مختلف آن آثار، سوء تفاهمی پیش نیاید، از درج اطلاعات حقوقی اثر یکسره خودداری می‌کنند تا مثلاً تنها ناشر دیوان امیرمعزی اگر شکایت کرد، لابد به او می‌گویند ما از روی نسخه‌های خطی این اثر را حروفچینی کرده‌ایم!

در اینکه بخشی از حقوق مادی و معنوی مصححان این متون شعری مندرج در الواح فشرده به نحوی باید استیفا شود، بحثی نیست؛ لیکن در حال حاضر این کار خدمت بزرگی به تحقیقات ادبی و شعری و راهگشای خوبی برای یافتن اشعار است، چرا که گاه محقق برای پیدا کردن بیت شعری می‌بایست ساعات و روزها جست‌وجو کند و حال آنکه با این نرم‌افزار درجا می‌تواند گمشده خود را بیابد. حتی گاه دیده می‌شود وقتی ابیات کنار هم قرار می‌گیرند، چه شاعرانی چه ابیاتی را از دیگران اقتباس یا انتحال کرده‌اند، یا اینکه از باب توارد یک بیت به چند نفر الهام شده است! با تمام این توصیفات، اگر حداقل انتفاع و سودآوری در تولید این آثار مد نظر تولیدکنندگان این گونه نرم‌افزارها قرارگیرد و حتی بتوانند رضایت مصححان این آثار را هم کسب کنند، یا به نوعی مصححان را از عواید و فواید این محصولات بهره‌مند سازند، در این صورت بعید

به نظر می‌رسد ناشران آنها هم مخالفتی داشته باشند. لذا هم فعل آنها قانونی بوده و هم با خیال راحت می‌توانند مشخصات کتاب را درج کنند. اما وقتی این الواح به بهای سی تا پنجاه و گاه تا یکصد هزار تومان در شمارگان نامعلوم بالا توزیع و فروخته می‌شود، معلوم می‌شود مقاصد انتفاعی بیشتر مد نظر است، چنانکه جایی هم که از اعتبارات مالی عمومی تأمین می‌شود، اگر دست به درج اثر کسی در غیر ما وضع له بزند، لیکن از ناشر و طابع و صاحب اثر اذن گرفته باشد، بحثی نیست و فیها المراد، اما اگر بی‌اذن و اطلاع مؤلف و مصحح و ناشر اقدام به درج آثار دیگران در نرم‌افزارهای خود بکند و با اینکه قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» را قبول دارد، جای سؤال است که در این صورت حق الناس را چگونه می‌خواهد تأدیه کند؟

به نظر می‌رسد در این شرایط هر اقدامی به‌سان «روغن ریخته را خرج امامزاده کردن» و «نوشدارو پس از مرگ سهراب» است. این در حالی است که برخی ناشران و مؤلفان به دلایلی از جمله اینکه قادر به تجدید چاپ نیستند و یا از طریق اینترنت می‌خواهند فایل تصویری اثر را بفروشند، لذا درصددند که پس از مدتی، آثار خود را به صورت لوح فشرده عرضه کنند، بنابراین اینان احق و اولی به این کار دیجیتالی کردن هستند.

به هر روی حوزه نشرکشور نیاز به بازسازی و نوسازیهای جدی دارد که امید است دوستان متولی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گامهای مؤثر و سازنده‌ای در این باره بردارند. ان‌شاءالله.

